

Al-milani.com

سلسله پژوهش‌های اعتقادی (۴۶)

## باورهایی از معاد (۲)

۴. شفاعت

آیت الله سید علی حسینی میلانی

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶-  
عنوان قرارداد: المواعظ الفاخره فی امور الاخره. فارسی  
عنوان و نام پدیدآور: باورهایی از معاد ۲ / سید علی حسینی میلانی؛ [ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه انتشارات الحقایق].  
مشخصات نشر: قم: انتشارات الحقایق، ۱۳۹۳.  
مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.  
فروست: سلسله پژوهش های اعتقادی؛ ۴۵، ۴۶.  
شابک: ۳۷۰۰۰ ریال: ۹-۸۵-۵۳۴۸-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۲: ۳-۸۷-۵۳۴۸-۶۰۰-۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فیبا).  
موضوع: معاد  
شناسه افزوده: انتشارات الحقایق  
رده بندی کنگره: BP / ۲۲۲ ح ۵۴ م ۸۰۴۱ ۱۳۹۳  
رده بندی دیویی: ۴۴ / ۲۹۷  
شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۱۱۳۴۵

نام کتاب: باورهایی از معاد ۲  
تألیف: آیت الله سید علی حسینی میلانی  
ترجمه و ویرایش: هیئت تحریریه انتشارات الحقایق  
ناشر: الحقایق  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۳  
چاپ: ستاره  
تعداد صفحه: ۸۰ صفحه  
قیمت: ۲۸۰۰۰ ریال  
شابک: ۳-۸۷-۵۳۴۸-۶۰۰-۳۹۷۸-۸۷-۵۳۴۸-۶۰۰-۹۷۸

حقوق چاپ محفوظ است

#### مراکز پخش:

- قم: خیابان صفائیه، رو به روی صندوق قرض الحسنه دفتر تبلیغات، تلفن: ۰۲۵۱-۷۸۳۷۳۲۰
- تهران: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، تلفن: ۰۲۱-۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۴)
- تهران: خیابان پاسداران، خیابان شهید گلنپی، نبش خیابان ناطق نوری، ساختمان زمرد، طبقه دوم، پلاک ۴۳، نشر آفاق، تلفن: ۰۲۱-۲۲۸۴۷۰۳۵
- مشهد: چهارراه شهدا، پشت باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، پاساژ گنجینه کتاب، انتشارات نور الکتاب (میلانی)، تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۴۲۲۶۲-۰۹۱۵۱۱۹۹۴۸۶
- اصفهان: چهارباغ پایین، رو به روی ورزشگاه تختی، مرکز تخصصی حوزه علمیه اصفهان، تلفن: ۰۳۱۱-۲۲۲۳۴۲۳
- تبریز: خیابان امام خمینی، نرسیده به میدان ساعت، بازار بزرگ تربیت، طبقه پایین، پلاک ۲۶، ندای شمس، تلفن: ۰۴۱۱-۵۵۴۰۲۵۲
- زنجان: پایانه هفت تیر، واحد توبوس رانی، نمایشگاه کتاب گلستان، تلفن: ۰۲۴۱-۳۲۲۰۹۹۰
- کرمانشاه: خیابان باغ ایریشم، جنب ورودی اصلی دانشگاه رازی، کتابفروشی حافظ، تلفن: ۰۸۳۱-۴۲۸۴۰۸۲

نشانی اینترنت: [www.al-haqaeq.org](http://www.al-haqaeq.org) — پست الکترونیک: [info@al-haqaeq.org](mailto:info@al-haqaeq.org) — سامانه پیام کوتاه: ۱۰۰۰۱۴۱۴

سرآغاز ۷...

بخش چهارم: شفاعت ۱۳...

- ۱۵... شفاعت امری حق
- ۱۶... شفاعت از منظر قرآن کریم
- ۱۶... قرآن و اثبات شفاعت
- ۲۰... قرآن و نفی شفاعت
- ۲۳... شفاعت از منظر روایات
- ۲۴... ایمان به شفاعت
- ۲۴... پیامبر و مقام محمود شفاعت
- ۲۵... ذخیره شفاعت برای قیامت
- ۲۵... اعطای شفاعت
- ۲۶... قرآن و مقام شفاعت
- ۲۷... اهل بیت علیهم السلام و مقام شفاعت
- ۲۷... شفاعت از چهار گروه
- ۲۸... شفاعت و ارتباط با اهل بیت علیهم السلام
- ۲۹... شیعه و مقام شفاعت
- ۳۰... منکران شفاعت
- ۳۰... مؤمن و مقام شفاعت
- ۳۱... قیامت و بازگشت مردم
- ۳۲... مقام شفاعت و برتری پیامبر خدا صلی الله علیه وآله
- ۳۳... سخنان بزرگان درباره شفاعت
- ۳۳... شیخ صدوق رحمه الله
- ۳۴... شیخ مفید رحمه الله
- ۳۶... شیخ طوسی رحمه الله
- ۳۷... شیخ طبرسی رحمه الله
- ۴۰... محقق طوسی رحمه الله

- علامه حلی رحمه الله ... ۴۰
- فاضل مقداد رحمه الله ... ۴۱
- فیض کاشانی رحمه الله ... ۴۳
- علامه مجلسی رحمه الله ... ۴۶
- شافعیان روز قیامت ... ۴۷
- معنای شفاعت و اثر آن ... ۵۵
- اثر شفاعت و دیدگاه عالمان شیعی ... ۶۰
- اثر شفاعت و دیدگاه معتزلی ها ... ۶۱
- بررسی و نقد دیدگاه ... ۶۴
- شفاعت و جرأت بر گناه! ... ۶۶
- کتاب نامه ... ۷۳

## سرآغاز

. . . آخرین و کامل ترین دین الاهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الاهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت. دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت. ادامه این راه الاهی در هجدهم ذی الحجه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الاهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفوروزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه وآله، — با توطئه هایی از پیش مهیا شده — مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس های شیطانی، حقایق اسلام را — که همچون آفتاب جهان تاب بود — پشت ابرهای سیاه شك و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه ها، حقایق اسلام و سخنان دُررَبَّار پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی ها، شبهه ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف الدین، امینی و... همچون ستارگانی پرفروز

می درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین واقعات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ‌گویی شبهات پرداخته‌اند... .

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر و الامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظم له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیة الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ربّ العالمين، والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين.

عالمان مسلمان درباره امور جهان آخرت، کتاب های فراوانی نگاشته اند. این جانب نیز پیش از این کتاب «الاعتقاد بالمعاد» را به رشته تحریر در آوردم. نگارش این اثر در سال ۱۳۹۱ هجری قمری به پایان رسید. در بخش «خاتمه» آن اثر، سه بحث «میزان»، «گشوده شدن نامه اعمال» و «سخن گفتن اعضای بدن در جهان آخرت» را آوردم و پس از آن نیز به مناسبت، بحث های شفاعت و توبه را به آن افزودم.

این پنج موضوع در پرتو آیات قرآن کریم و روایات پیامبر صلی الله علیه وآله و امامان معصوم علیهم السلام به رشته تحریر درآمد. هرچند کوشیدیم در تدوین این خاتمه، از مباحث تفسیری، حدیثی و کلامی بهره بگیریم، اما کمتر وارد جزئیات مسائل کلامی اختلافی شدیم.

با توجه به نیاز تشنگان معارف دینی و لزوم آگاهی بیشتر خوانندگان گرامی از مباحث مربوط به جهان آخرت، بر آن شدیم تا این مباحث پنج گانه را به طور جداگانه و در قالب کتابی به عنوان «المواعظ الفاخرة فی أمور الآخرة»<sup>۱</sup> به جامعه اسلامی عرضه نماییم.

باور داریم آگاهی هر انسان مؤمن از این مسائل و اعتقاد به آن ها گذشته از این که يك وظیفه و ضرورت است، از جنبه تربیتی نیز اثری بسیار فراوان به همراه دارد؛ چراکه باور داشتن به مجموعه این مسائل، موجب می شود انسان مؤمن در حالت میان «خوف و رجاء؛ بیم و امید» قرار گیرد.

بی تردید ایجاد چنین حالتی در میان پیروان شریعت، یکی از اولویت های اصلی شریعت مقدس اسلام است.

---

۱. گفتنی است که عنوان فارسی این اثر «باورهایی از جهان آخرت» انتخاب شده است که جلد یکم آن، سه بحث نخستین را دربرگرفته و جلد حاضر به شفاعت اختصاص دارد.

اسلام کوشیده از راه آموزه های بسیار ارزشمند خود این حالت را در میان مؤمنان و معتقدان به شریعت، ایجاد کند. به همین دلیل است که کتاب های اخلاقی فراوان و بحث های علمی زیادی در این راستا نگاشته شده اند.

از خداوند سبحان خواهانیم عنایت فرماید که مؤمنان از این اثر بهره مند گردند.

۱۴۳۱ هجری قمری

سید علی حسینی میلانی

بخش چهارم: شفاعت

### شفاعت امری حق

شفاعت، امری حق است که حقیقت آن به اجماع ثابت شده است... قرآن کریم و روایات متواتر نیز بر این امر دلالت دارند.

بر این اساس، جای انکار شفاعت به ویژه شفاعت پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وآله وجود ندارد؛ چراکه شفاعت آن حضرت طبق دیدگاه همه مسلمانان، امری حقیقی است.

ما در این بخش، برای اثبات شفاعت، ابتدا آیات قرآن کریم درباره موضوع شفاعت را بررسی می‌کنیم و پس از آن به برخی از روایات می‌پردازیم که از پیامبر اکرم و اهل بیت پاکشان علیهم السلام نقل شده‌اند.

آن‌گاه سخنان برخی بزرگان جهان اسلام را بازگو می‌کنیم. پس از روشن شدن اصل درستی وجود شفاعت، به تبیین معنای شفاعت و اختلافاتی که در این رابطه وجود دارد، خواهیم پرداخت. سرانجام این بخش نیز اثبات عدم اختصاص شفاعت به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله خواهد بود.

### شفاعت از منظر قرآن کریم

آیاتی که به موضوع شفاعت پرداخته‌اند، دو دسته هستند:

دسته اول آیاتی که وجود شفاعت را اثبات و بر وقوع آن تأکید می‌کنند.

دسته دوم آیاتی که شفاعت را نفی می‌نمایند و بیان می‌کنند که در روز قیامت، هیچ‌کس برای دیگری نمی‌تواند شفاعت کند، بلکه خداوند متعال، سزای هر بنده‌ای را طبق اعمال و باورهایش می‌دهد.

### قرآن و اثبات شفاعت

دسته اول آیاتی هستند که وجود شفاعت در روز قیامت را اثبات می کنند. برای نمونه خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

(عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا)<sup>۲</sup>;

امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد.

تمامی مفسران اتفاق نظر دارند که مقام محمود، همان مقام شفاعت است. این همان جایگاهی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای مردم شفاعت می کند و شفاعت او پذیرفته می شود.<sup>۳</sup> در آیه دیگری می فرماید:

(وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ \* لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ \* يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ)<sup>۴</sup>;

آن ها گفتند: خداوند رحمان (فرشتگان را) برای خود به عنوان فرزند انتخاب کرده است! او منزله است (از این عیب و نقص); آن ها (فرشتگان) بندگان شایسته او هستند. هرگز در سخن بر او پیشی نمی گیرند; و تنها به فرمان او عمل می کنند. او اعمال امروز و آینده و اعمال گذشته آن ها را می داند; و آن ها جز برای کسی که خدا راضی است شفاعت نمی کنند; و از ترس او نگران هستند.

مراد از آیه این است که فرشتگان شفاعت نمی کنند; مگر برای کسی که خداوند از دین او راضی است.

شیخ طبرسی رحمه الله نیز همین مطلب را بیان کرده است.<sup>۵</sup>

گویا این معنا از روایت امام رضا علیه السلام گرفته شده است که متن این روایت، در ادامه خواهد آمد.

در آیه دیگری می خوانیم:

(مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ)<sup>۶</sup>;

کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند!؟

خداوند در این آیه می فرماید: آنانی که می توانند شفاعت کنند، فقط پس از اجازه خداوند و امر اوست که می توانند شفاعت کنند. اما این که فردی لایق شفاعت کردن، بدون اجازه، اقدام به شفاعت

۲ . سوره اسراء: آیه ۷۹.

۳ . تفسیر القمی: ۲ / ۲۵، تفسیر مجمع البیان: ۶ / ۲۸۴، الامالی شیخ صدوق: ۶۶، الاحتجاج: ۱ / ۳۶۱، بحار الانوار: ۱۶ / ۳۰۵.

۴ . سوره انبیاء: آیه های ۲۶ - ۲۸.

۵ . تفسیر مجمع البیان: ۷ / ۸۱.

۶ . سوره بقره: آیه ۲۵۵.

کند — هم چنان که میان ما انسان ها رایج است — برای هیچ يك از شافعان چنین حالتی وجود ندارد.<sup>۷</sup>

شأن نزول آیه این است که مشرکان بر این گمان بودند که بت ها از آنان شفاعت خواهند کرد. اما خداوند سبحان به آنان خبر داد که هیچ شفیعیتی به شفاعت اقدام نمی کند، مگر این که خداوند متعال به او فرمان دهد و شفاعت او با اذن خداوند باشد.<sup>۸</sup>

در آیه دیگری آمده است:

(لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا)<sup>۹</sup>;

هیچ کس مالک شفاعت نیست؛ مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی دارد. مراد آیه شریفه این است که هیچ کس مالک شفاعت نیست، مگر کسی که ایمان و عمل صالح داشته باشد، یا کسی که شهادت را بر زبان جاری کرده باشد، یا فقط کسانی می توانند شفاعت کنند که خداوند وعده شفاعت کردن را به آنان داده است؛ مانند پیامبران و مؤمنان.<sup>۱۰</sup>

در آیه دیگری می فرماید:

(يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا)<sup>۱۱</sup>;

در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده، و به گفتار او راضی است.

در آیه دیگری می خوانیم:

(وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ)<sup>۱۲</sup>;

هیچ شفاعتی در پیشگاه او، جز برای کسانی که اذن داده، سودی ندارد تا زمانی که اضطراب از دل های آنان زایل گردد (در این هنگام مجرمان به شفیعان) می گویند: «پروردگارتان چه دستوری داده؟» می گویند: «حق را بیان کرد؛ و اوست بلندمقام و بزرگ مرتبه».

۷. بحار الانوار: ۸ / ۳۱.

۸. التبیان فی تفسیر القرآن: ۵ / ۳۳۶، تفسیر مجمع البیان: ۲ / ۱۵۹.

۹. سوره مریم: آیه ۸۷.

۱۰. تفسیر القرآن العظیم: ۳۰۵.

۱۱. سوره طه: آیه ۱۰۹.

۱۲. سوره سبأ: آیه ۲۳.

بنابر روایاتی که در تفسیر این آیه نقل شده، خداوند متعال به پیامبران، رسولان، اولیای خویش و مؤمنان اجازه می دهد که در روز قیامت شفاعت کنند.

از آن جا که در بحث روایات، این احادیث را نقل خواهیم کرد، در این جا از بیان این احادیث خودداری می کنیم.

### قرآن و نفی شفاعت

دسته دوم آیاتی هستند که شفاعت را نفی می کنند. ما پیش تر آیاتی را از قرآن کریم آوردیم که بیان گر وجود شفاعت — با شرایطی — در روز قیامت بودند؛ اما باید بدانیم در قرآن کریم، آیاتی نیز وجود دارد که خداوند در این آیات، شفاعت را نفی کرده است. برای نمونه خداوند متعال در آیه ای می فرماید:

(وَأَتَقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ)؛<sup>۱۳</sup>

و از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی پذیرد و نه از او شفاعت پذیرفته می شود و یاری نخواهند شد و نه عوضی از او قبول خواهد شد؛ و یاری نخواهند شد.

در آیه ۱۲۳ سوره بقره نیز مشابه همین مطلب را ذکر شده است.

خداوند متعال در آیه دیگری در سوره دخان نیز می فرماید:

(يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ)؛<sup>۱۴</sup>

روزی که هیچ دوستی کم ترین کمکی به دوستش نمی کند، و از هیچ سو یاری نمی شوند.

در آیه دیگری آمده است:

(فَمَا لَنَا مِنَ الشَّافِعِينَ \* وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ)؛<sup>۱۵</sup>

(افسوس که امروز) شفاعت کنندگانی برای ما وجود ندارد، و نه دوست گرم و پرمحبتی.

در آیه دیگری می فرماید:

(فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ)؛<sup>۱۶</sup>

۱۳ . سوره بقره: آیه ۴۸ .

۱۴ . سوره دخان: آیه ۴۱ .

۱۵ . سوره شعراء: آیه های ۱۰۰ و ۱۰۱ .

۱۶ . سوره مدثر: آیه ۴۸ .

از این رو شفاعت شفیعان به حال آن ها سودی نمی بخشد.

در آیه دیگری می خوانیم:

(مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ)؛<sup>۱۷</sup>

برای ستمکاران نه دوستی، و نه شفاعت کننده ای که شفاعتش پذیرفته شود وجود ندارد.

در آیه دیگری می فرماید:

(وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ)؛<sup>۱۸</sup>

و ستمگران یابوری ندارند.

گفتنی است که در ادامه مباحث، در مورد این آیات سخن خواهیم گفت.

در آیه دیگری آمده است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفَاعَةَ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ)؛<sup>۱۹</sup>

ای کسانی که ایمان آورده اید! از آن چه به شما روزی داده ایم، انفاق کنید پیش از آن که روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروش است و نه دوستی و نه شفاعتی؛ و کافران، خود ستمگرانند.

لازم به یادآوری است که اگرچه لفظ این آیه، عام است و به ظاهر، در مقام نفی هرگونه شفاعتی است، اما منظور از این آیه، فقط نفی شفاعت برای غیر مؤمنان است. زیرا همه اتفاق نظر دارند که مؤمنان می توانند از يك دیگر شفاعت کنند و پیامبرانشان نیز از آن ها شفاعت می کنند. چنان که این حقیقت را در آیات دسته اول، مشاهده نمودیم. بنابراین، باید از ظاهر آیه فوق دست شسته و به تأویل آیه توجه نماییم.

#### شفاعت از منظر روایات

روایات صریح و فراوانی از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله و امامان معصوم علیهم السلام نقل شده است که همگی در مقام بیان حقیقت شفاعت و شرایط و چگونگی آن هستند. برخی از این روایات را در این جا بیان می کنیم.

---

۱۷ . سوره غافر: آیه ۱۸ .

۱۸ . سوره بقره: آیه ۲۷۰ .

۱۹ . سوره بقره: آیه ۲۵۴ .

## ایمان به شفاعت

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند:

من لم يؤمن بشفاعتي فلا أناله الله شفاعتي؛<sup>۲۰</sup>

کسی که به شفاعت من ایمان نداشته باشد، خداوند او را مشمول شفاعت من قرار نمی دهد.

## پیامبر و مقام محمود شفاعت

امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در ضمن روایتی فرمود:

إذا قمت المقام المحمود تشفعت في أصحاب الكبار من أمتي، فيشفعني الله فيهم. والله لا تشفعت فيمن آذى ذريتي؛<sup>۲۱</sup>

آن گاه که در روز قیامت در مقام محمود قرار گیرم افرادی از امتم را که مرتکب گناهان کبیره شده اند، مورد شفاعت قرار خواهم داد و خداوند نیز شفاعت مرا درباره آنان می پذیرد. به خدا سوگند، کسانی که ذریه و خاندان مرا آزار داده اند، مشمول شفاعت من نخواهند شد.

## ذخیره شفاعت برای قیامت

انس بن مالک می گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود:

لكل نبي دعوة قد دعا بها، وقد سأل سؤلاً. وقد خبأت دعوتي لشفاعتي لأمتي يوم القيامة؛<sup>۲۲</sup>

هر پیامبری نزد خدا يك دعای خاص داشت که آن را درخواست نمود. من دعای خود را ذخیره کردم برای شفاعت امتم در روز قیامت.

## اعطای شفاعت

در روایت دیگری ابن عباس می گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند:

أعطيت خمساً لم يعطها أحد قبلي:

جعلت لي الأرض مسجداً وطهوراً،

۲۰ . الإعتقادات في دين الإمامية: ۶۶، الأمالی شيخ صدوق: ۴ مجلس دوم، در عيون اخبار الرضا عليه السلام: ۲ / ۱۲۵ و

بحار الانوار: ۸ / ۳۴، حدیث ۴ نیز روایتی به همین مضمون آمده است.

۲۱ . الامالی شيخ صدوق: ۳۷، مجلس چهل و نهم، حدیث ۳، بحار الانوار: ۸ / ۳۷، حدیث ۱۲.

۲۲ . الخصال: ۲۹، حدیث ۱۰۳، بحار الانوار: ۸ / ۳۴، حدیث ۱. در الامالی شيخ صدوق (۵۷، ذیل حدیث ۵۰) نیز روایتی با

همین مضمون به نقل از ابوذر و سلمان — رضی الله عنهما — از حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نقل شده است.

ونصرت بالرعب،

وأحل لي المغم،

وأعطيت جوامع الكلم،

وأعطيت الشفاعة؛<sup>۲۳</sup>

به من پنج چیز داده شده است که به کسی پیش از من داده نشده است:  
زمین برای من محل سجده و پاك قرار داده شده است،  
با هراس در دل دشمنان یاری یافته ام،  
غنیمت برای من حلال قرار داده شده است،  
جوامع الكلم (سخنان فراگیر) به من داده شده است،  
و مقام شفاعت به من عنایت شده است.

#### قرآن و مقام شفاعت

امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه ای در برتری قرآن کریم می فرماید:

واعلموا أنه شافع مشفع، وقائل مصدق، وأنه من شفع له القرآن يوم القيامة شفع فيه، ومن محل به القرآن يوم  
القيامة صدق عليه...؛<sup>۲۴</sup>

... و بدانید که قرآن شفیع پذیرفته شده، و گوینده ای گواهی شده است، هر که را روز  
رستاخیز قرآن میانجی شود، بپذیرند، و آن را که قرآن از او به بدی یاد کند، گواهی  
به زیان او  
گیرند...

#### اهل بیت علیهم السلام و مقام شفاعت

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

لنا شفاعة ولأهل مودتنا شفاعة؛<sup>۲۵</sup>

برای ما شفاعت است و هر که ما را دوست بدارد دارای شفاعت است.

۲۳ . الخصال: ۲۶۶ باب پنجم، حدیث ۵۶، من لا یحضره الفقیه: ۱ / ۲۴۰ - ۲۴۱، حدیث ۷۲۴، وسائل الشیعة: ۳ / ۳۵۱،

حدیث ۴، بحار الانوار: ۸ / ۳۸، حدیث ۱۷.

۲۴ . نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶ (خطبه نهی از بدعت).

۲۵ . الخصال: ۵۸۸، بحار الانوار: ۸ / ۱۹، حدیث ۹

## شفاعت از چهار گروه

در روایتی آمده: پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرماید:

أربعة أنا لهم شفيع يوم القيامة:

المكرم لذريتي من بعدي،

والقاضي لهم حوائجهم،

والساعي لهم في أمورهم عند اضطرارهم إليه،

والمحب لهم بقلبه ولسانه؛<sup>۲۶</sup>

چهار گروه هستند که در روز قیامت از آنان شفاعت می‌کنم:

۱. کسی که پس از من، به ذریه و خاندان من احترام بگذارد،

۲. کسی که حاجت و نیاز آنان را برآورده سازد،

۳. کسی که به هنگام اضطرار و سختی برای انجام امورشان تلاش کند؛

۴. و کسی که با دل و زبان، آنان را دوست بدارد.

## شفاعت و ارتباط با اهل بیت علیهم السلام

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

من أراد التوسل إليّ، وأن يكون له عندى يد أشفع له بها يوم القيامة، فليصل أهل بيتي ويدخل السرور عليهم<sup>۲۷</sup>  
کسی که می‌خواهد به من توسل جوید و کاری کند که من در روز قیامت از او شفاعت  
نمایم، با اهل بیت من ارتباط داشته باشد و آن‌ها را مسرور کند.

## شیعه و مقام شفاعت

در روایتی آمده: حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام به اهل شورا فرمود:

فهل فيكم أحدٌ قال له رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إن من شيعتك رجلاً يدخل في شفاعته الجنة مثل ربيعة

ومضر، غيري؟ قالوا: لا...<sup>۲۸</sup>

۲۶ . عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۱/ ۲۳۰، باب ۲۶، حدیث ۲، بحار الانوار: ۲۲۰/۹۳، حدیث ۱۰.

۲۷ . الأملی، شیخ صدوق: ۴۶۱ — ۴۶۲ مجلس شصتم، حدیث ۵، بحار الانوار: ۲۲۷/۲۶، حدیث ۱.

۲۸ . الأملی شیخ طوسی: ۵۵۱، مجلس بیستم، این روایت در بحار الانوار: ۳۱ / ۳۸۰، ذیل حدیث ۲۴ از إرشاد القلوب: ۲ /

آیا در میان شما جز من، کسی هست که رسول خدا صلی الله علیه وآله درباره وی فرموده باشد: «همانا مردی از شیعیان تو هست که به واسطه شفاعت او [افراد بسیار فراوانی] به اندازه دو قبیله ربیعہ و مضر، وارد بهشت خواهند شد؟»  
گفتند: نه...

#### منکران شفاعت

امام صادق علیه السلام می فرماید:

من أنکر ثلاثة أشياء فليس من شيعتنا:

المعراج،

والمسألة في القبر،

والشفاعة؛<sup>۲۹</sup>

هرکس سه مسأله را انکار کند، از شیعیان ما نیست: معراج، سؤال و جواب در قبر، و شفاعت.

#### مؤمن و مقام شفاعت

هم چنین امام صادق علیه السلام در پاسخ به این سؤال که آیا انسان مؤمن نیز می تواند شفاعت کند؟ فرمودند: بله.

فردی از ایشان پرسید: آیا مؤمن نیز در روز قیامت به شفاعت حضرت محمد صلی الله علیه وآله نیاز دارد؟

حضرت فرمودند:

نعم، إن للمؤمنين خطايا وذنوباً، وما من أحد إلا ويحتاج إلى شفاعت محمد صلی الله علیه وآله يومئذ...<sup>۳۰</sup>  
آری، به راستی مؤمنان اشتباه ها و گناهانی دارند. هیچ فردی نیست، مگر این که به شفاعت حضرت محمد صلی الله علیه وآله نیازمند است.

#### قیامت و بازگشت مردم

۲۹ . الأملی شیخ صدوق: ۳۷۰، مجلس چهل و نهم، حدیث ۵، بحار الأنوار: ۶ / ۲۲۳، حدیث ۲۳ و ۸ / ۳۷، حدیث ۱۳ و ۱۸ / ۳۴۰، حدیث ۴۴ .

۳۰ . بحار الأنوار: ۸ / ۴۸، حدیث: ۵۱، تفسیر العیاشی: ۲ / ۳۱۴، حدیث ۱۵۰ .

در روایتی آمده: سماعه می گوید:

در کنار خانه خدا در خدمت امام کاظم علیه السلام نشسته بودم. مردم در تاریکی شب در حال طواف بودند. حضرت به من فرمود:

يا سماعة! إلینا إیاب هذا الخلق وعلینا حسابهم. فما كان لهم من ذنب بینهم و بین الله عزوجلّ حتمنا علی الله فی تركه لنا فأجابنا إلی ذلك. وما كان بینهم و بین الناس استوهبناه منهم وأجابوا إلی ذلك و عوّضهم عزوجلّ؛<sup>۳۱</sup>  
ای سماعه! بازگشت این خلق به سوی ما و حساب آنان با ماست. هر چه گناه میان خود و خدا دارند از خدا به طور جدّ خواهش می کنیم که از آن چشم ببوشد و خدا آن را از ما می پذیرد، و هر چه گناه میان خود و بقیه مردم دارند نیز از صاحبان حق می خواهیم که ببخشند و نادیده بگیرند و آن ها نیز می پذیرند و خداوند بزرگ به آن ها عوض می دهد.

مقام شفاعت و برتری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

در روایت دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

... أما فضلی علی النبیین، فما من نبی إلا دعا علی قومه وأنا اخترت دعوتی شفاعة لأمتی یوم القیامة...؛<sup>۳۲</sup>  
... فضیلت من بر پیامبران دیگر این است که هر پیامبری، دعای خویش را نفرین بر امتش قرار داد، اما من دعایم را شفاعت از امتم در روز قیامت، قرار دادم...  
روایات مربوط به بحث شفاعت بسیار فراوان هستند؛ ما به همین اندازه بسنده می کنیم.<sup>۳۳</sup>

سخنان بزرگان درباره شفاعت

علمای بزرگ، نامداران عرصه حدیث شناسی و دانش کلام تصریح کرده اند که شفاعت امری حقیقی است و در روز قیامت رخ می دهد...  
بی تردید باور و گفتار این بزرگان بر پایه قرآن و روایات مسلمی است که از پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام نقل گردیده است.  
برای آشنایی بیشتر با پیشینه باور به شفاعت در میان علمای مسلمان، برخی از این سخنان را نقل می کنیم:

۳۱ . الکافی: ۸ / ۱۶۲، حدیث ۱۶۷، بحار الانوار: ۸ / ۵۷، حدیث ۷۱.

۳۲ . الاختصاص: ۳۷.

۳۳ . برای آگاهی بیشتر در این باره ر.ک: بحار الانوار: ۸ / ۳۰، کتاب العدل والمعاد، باب ۲۱ بحث شفاعت.

شیخ صدوق رحمه الله

شیخ صدوق رحمه الله می نویسد:

اعتقاد ما درباره شفاعت این است که شفاعت برای گناهکارانی — چه مرتکبان گناهان کبیره و چه صغیره — است که دین و کیش آنان مورد رضایت خداوند می باشد. اما گناهکارانی که توبه کرده اند، به شفاعت نیازی ندارند. پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

من لم يؤمن بشفاعتي فلا أناله الله شفاعتي؛<sup>۳۴</sup>

کسی که به شفاعت من ایمان نداشته باشد، خداوند، او را به شفاعت من نمی رساند.

هم چنین حضرتش در سخنی دیگر می فرماید:

لا شفيع أنجح من التوبة، والشفاعة للأنبياء، والأوصياء، والمؤمنين، والملائكة، وفي المؤمنين من يشفع مثل

ربيعه ومضراً، وأقلّ المؤمنين شفاعته من يشفع لثلاثين إنساناً والشفاعة لا تكون لأهل الشرك ولا لأهل الكفر

والجحود، بل تكون للمؤمنين من أهل التوحيد؛<sup>۳۵</sup>

هیچ شفیعی کارآمدتر از توبه نیست. پیامبران، اوصیاء، مؤمنان و فرشتگان شفاعت گر

هستند. از میان مؤمنان کسانی هستند که به فراوانی قوم های ربیعه و مضر، شفاعت

می کنند. کم ترین میزان شفاعت يك مؤمن این است که از سی نفر شفاعت کند. اهل

تردید و شرك، کافران و منکران نمی توانند شفاعت کنند. بلکه شفاعت از آن مؤمنان

یگانه پرست است.

شیخ مفید رحمه الله

شیخ مفید رحمه الله درباره شفاعت می نویسد:

... دیدگاه من این است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در روز قیامت فقط از گناهکاران شیعی امت

خویش شفاعت خواهد نمود و خداوند متعال نیز شفاعت ایشان را خواهد پذیرفت.

حضرت علی علیه السلام نیز از شیعیان معصیت کار خویش شفاعت خواهد نمود و خداوند شفاعت

او را خواهد پذیرفت.

دیگر امامان معصوم علیهم السلام نیز شیعیان گناهکار و معصیت کار خویش را مورد شفاعت قرار

خواهند داد و شفاعت آنان نیز پذیرفته خواهد بود.

۳۴ . عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۱۲۵/۲، حدیث ۳۵، بحار الانوار: ۸ / ۳۴، حدیث ۳.

۳۵ . الاعتقادات فی دین الإمامیة: ۶۶، بحار الانوار: ۸ / ۵۸، حدیث ۵۷.

انسان مؤمن نیکوکار نیز از دوست مؤمن گناهکار خویش شفاعت می کند که شفاعت او برای دوستش سودمند می شود و خداوند شفاعتش را می پذیرد.

به جز اندک کسانی که این دیدگاه را نپذیرفته اند، این باور، مورد اجماع و اتفاق نظر امامیه است. قرآن کریم نیز این موضوع را بیان کرده و روایات نیز در این باره فراوان هستند. خداوند متعال در قرآن کریم به هنگام خبردادن از حسرت ها و افسوس های کافران در برابر بهره مندی های مؤمنان در روز قیامت، حال کفورزان را این گونه بیان می کند:

﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ \* وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾؛<sup>۳۶</sup>

(افسوس که امروز) شفاعت کنندگانی برای ما وجود ندارد، و نه دوست گرم و پرمحبتی.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نيز می فرماید:

إِنِّي أَشْفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَاشْفَعْ فِيشْفَعِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيشْفَعُ، وَإِنَّ أَدْنَى الْمُؤْمِنِينَ شَفَاعَةَ يِشْفَعُ فِي أَرْبَعِينَ مِنْ إِخْوَانِهِ؛<sup>۳۷</sup>

من در روز قیامت، شفاعت می کنم و شفاعت من پذیرفته می شود. علی علیه السلام نیز شفاعت می کند و شفاعت او پذیرفته می شود. شفاعت مؤمنان نیز پذیرفته است. کم ترین کسانی که به دست مؤمنان شفاعت می شوند، چهل تن از برادران دینی آن ها هستند.

شیخ طوسی رحمه الله

شیخ طوسی رحمه الله در تفسیر التبیان این آیه کریمه می آورد، که خداوند متعال می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛<sup>۳۸</sup>

ای کسانی که ایمان آورده اید! از آن چه به شما روزی داده ایم، انفاق کنید؛ پیش از آن که روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروشی است و نه دوستی، و نه شفاعتی؛ و کافران، خود ستمگرند.

آن گاه در تفسیر این آیه چنین می نویسد:

۳۶ . سوره شعراء: آیات ۱۰۰ و ۱۰۱.

۳۷ . أوائل المقالات: ۷۹ و ۸۰ ، القول في الشفاعة، حديث ۵۷.

۳۸ . همان، آیه ۲۵۴.

اگرچه عبارت «لا شفاعة» به شکل عام آمده است، اما به اتفاق مفسران و عالمان منظور از آن، نبود شفاعت برای کافران و ظالمان است. زیرا از نگاه علمای شیعه، ممکن است شفاعت در از بین بردن ضرر و زیان باشد. اهل سنت نیز می گویند: شفاعت در جایی که سخن از وعید و هشدار در میان است، ممکن است به معنای نفی شفاعت در افزایش منافع باشد.

ما به اتفاق نظر ثابت کرده ایم که شفاعت وجود دارد. در مورد نفی شفاعت هم باید بگوییم که به طور قطع، شفاعت برای کافران را منتفی می دانیم. اما مخالفان ما شفاعت را علاوه بر کافران برای کسانی منتفی می دانند که گناهان کبیره انجام داده و توبه نکرده اند.<sup>۳۹</sup>

شیخ طبرسی رحمه الله

دیگر مفسر بزرگ، شیخ طبرسی رحمه الله نیز به تفسیر آیه ای از سوره مبارکه بقره می پردازد، آن جا که خدا می فرماید:

(وَأَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ)؛<sup>۴۰</sup>

و از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی پذیرد و نه از او شفاعت پذیرفته می شود؛ و نه عوضی از او قبول خواهد شد؛ و نه یاری می شوند.

او در تفسیر این آیه می نویسد:

مفسران درباره «ولا يقبل منها شفاعة» گفته اند: حکم این آیه، در خصوص یهودیان است. زیرا آنان می گفتند: ما پیامبرزاده هستیم، پدران و نیاکان ما از ما شفاعت می کنند. اما خداوند در این آیه، آنان را ناامید کرده است.

بنابراین، آیه در مقام نفی عموم شفاعت نیست. بلکه منظور آن گروه خاص یهودیان است؛ چرا که همه مسلمانان اتفاق نظر دارند که شفاعت پیامبر صلی الله علیه وآله در روز قیامت پذیرفته است. هرچند در چگونگی شفاعت ایشان دیدگاه های متفاوتی دارند... .

از نگاه ما شیعیان مقام شفاعت برای پیامبر صلی الله علیه وآله، اصحاب برگزیده ایشان و امامان معصوم علیهم السلام و نیز مؤمنان صالح امری ثابت و پذیرفته شده است. به طوری که خداوند متعال به واسطه شفاعت اینان، بسیاری از اشتباه کاران را نجات می دهد.

روایتی معتبر از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز این امر را تأیید می کند که آن حضرت فرمود:

ادخرت شفاعتي لأهل الكبائر من أمّتي؛

شفاعت خود را برای صاحبان گناهان کبیره از امت خویش، ذخیره کرده ام.

۳۹ . التّبيان في تفسير القرآن: ۲ / ۳۰۶، بحار الانوار: ۸ / ۶۲.

۴۰ . سوره بقره: آیه ۴۸.

در روایتی که اصحاب ما به طور مرفوع از پیامبر نقل کرده اند چنین آمده که پیامبر خدا  
صلی الله علیه وآله فرمود:

إني أشفع يوم القيامة فأشفع، ويشفع عليّ عليه السلام فيشفع، ويشفع أهل بيتي فيشفعون، وإن أدنى  
المؤمنين شفاعة ليشفع في أربعين من إخوانه كلّ قد استوجبوا النار؛<sup>٤١</sup>

در روز قیامت، من شفاعت می کنم و شفاعت من سودمند است. علی علیه السلام نیز  
شفاعت می کند و شفاعت او پذیرفته است، اهل بیت من نیز شفاعت می کنند و  
شفاعتشان مورد قبول است، کم ترین شماری که به دست مؤمنان مورد شفاعت قرار  
می گیرند، چهل تن از برادران آنان هستند که سزاوار دوزخ بوده اند.

محقق طوسی رحمه الله

دانشمند و اندیشمند ارجمند محقق طوسی رحمه الله می فرماید:

شفاعت مورد اجماع و اتفاق نظر است. برخی گفته اند که شفاعت برای افزایش منافع پاداش و  
ثواب های روز قیامت است؛ یعنی در روز قیامت شفاعت رسول خدا صلی الله علیه وآله برای ارتقای  
درجه انسان های مؤمن است، نه برای نجات گنهکاران از آتش دوزخ، ولی ما این نوع شفاعت در  
حق پیامبر را باطل می دانیم... و دیگر روایات به کافران تأویل شده است... .

حق این است که شفاعت در آن ها صدق می کند و ثبوت مورد دومی برای پیامبر صلی الله علیه وآله  
با توجه به حدیثی ثابت است، آن جا که می فرماید:

ادخرت شفاعتي لأهل الكبائر من أمتي؛<sup>٤٢</sup>

من شفاعت خود را برای کسانی که دارای گناهان کبیره هستند، ذخیره کرده ام.

علامه حلی رحمه الله

علامه حلی رحمه الله در شرح سخنان محقق طوسی رحمه الله می نویسد:

دیدگاه من این است که همه علما بر ثبوت شفاعت برای پیامبر صلی الله علیه وآله اتفاق نظر دارند.  
سخن خداوند متعال نیز بر همین امر دلالت دارد، آن جا که می فرماید:

(عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا)؛<sup>٤٣</sup>

امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد.

گفته شده که منظور از این مقام، شفاعت است...<sup>٤٤</sup>

٤١ . تفسیر مجمع البیان: ١ / ١٣٢، بحار الانوار: ٨ / ٣٠.

٤٢ . کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد: ٥٦٤.

٤٣ . سوره اسراء: آیه ٧٩.

فاضل مقداد رحمه الله

فاضل مقداد سیوری رحمه الله نیز پس از بیان مطالبی درباره شفاعت می نویسد:  
بدان که مرتکبان گناهان کبیره، در صورتی که یکی از دو امر زیر رخ ندهد، مجازات می شوند:  
اول. بخشش و مغفرت خداوند... .

دوم. شفاعت پیامبر گرامی ما پیامبر خدا صلی الله علیه وآله  
زیرا شفاعت پیامبر صلی الله علیه وآله واقع خواهد شد؛ بلکه باید گفت: شفاعت ایشان واقع شده است؛  
چراکه خداوند می فرماید:

(وَاسْتَغْفِرُ لَذَنبِكَ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ)؛<sup>۴۵</sup>

و برای گناه خود و مردان و زنان باایمان استغفار کن.  
صاحب گناه کبیره نیز مؤمن است. او به خدا و رسول او ایمان آورده و نیز به آن چه که  
پیامبر صلی الله علیه وآله آورده، اعتراف کرده است، و این یعنی ایمان. زیرا ایمان در لغت به معنای  
تأیید و تصدیق است. انسان دارای گناه کبیره نیز همین گونه است.  
اما اعمال صالح، بخشی از ایمان نیست تا بگوییم به دلیل اعمالی که این شخص مرتکب شده،  
برخلاف اقتضای ایمان عمل کرده و مؤمن نیست.  
از سوی دیگر، وقتی خدای متعال به رسول خویش فرمان می دهد که استغفار کن، آن حضرت  
نیز معصوم است و از فرمان خدا سرپیچی نمی کند. هم چنان که استغفار ایشان برای امتش مورد  
پذیرش خداوند است، چراکه خداوند می خواهد رضایت پیامبرش را ایجاد کند. هم چنان که در قرآن  
می فرماید:

(وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى)؛<sup>۴۶</sup>

و به زودی پروردگارت آن قدر به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی.

علاوه بر این، رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرماید:

ادخرت شفاعتي لأهل الكبائر من أمّتي؛<sup>۴۷</sup>

شفاعت خود را برای صاحبان گناهان کبیره از امت خویش، ذخیره کرده ام.

۴۴ . کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد: ۵۶۴.

۴۵ . سوره محمد صلی الله علیه وآله: آیه ۱۹.

۴۶ . سوره ضحی: آیه ۵ .

۴۷ . بحار الأنوار: ۸ / ۳۰.

باید بدانیم که مذهب ما بر این است که امامان معصوم علیهم السلام نیز از شیعیان معصیت کار خویش شفاعت خواهند کرد. هم چنان که رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز این مقام را داراست. در امر شفاعت، میان امامان و پیامبر صلی الله علیه وآله تفاوتی نیست. زیرا آنان خودشان از این شفاعت خبر داده اند و با توجه به عصمتی که دارند کذب و دروغ از آنان صادر نمی شود، در نتیجه این خبرهای آنان نیز راست است.<sup>۴۸</sup>

#### فیض کاشانی رحمه الله

فیض کاشانی رحمه الله درباره باور به شفاعت می نویسد:

شفاعت، حق است و حوض کوثر نیز حق است. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

من لم يؤمن بحوضي فلا آورده الله حوضي، ومن لم يؤمن بشفاعتي فلا أناله الله شفاعتي.

کسی که به حوض من ایمان نیاورد، خداوند او را بر حوض من وارد نمی سازد و کسی

که به شفاعت من ایمان نداشته باشد، خداوند او را به شفاعت من نمی رساند.

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در ادامه فرمود:

إنما شفاعتي لأهل الكبائر من أمتي، فأما المحسنون فما عليهم من سبيل؛<sup>۴۹</sup>

شفاعت من فقط برای آن گروه از امت من خواهد بود که گناهان کبیره دارند. اما کسانی

که نیکوکارند، مشکلی ندارند.

در روایت دیگری آن حضرت فرمود:

شفاعتي لأهل الكبائر من أمتي ما خلا الشُّركَ والظلم؛<sup>۵۰</sup>

شفاعت من برای کسانی از امت من است که گناه کبیره دارند به جز مشرکان و ظالمان.

رسول خدا صلی الله علیه وآله در سخن دیگری فرمود:

إن من أمتي من يدخل الجنة بشفاعته أكثر من مضر؛<sup>۵۱</sup>

از امت من کسی هست که با شفاعت او، بیش از شمار افراد قبیله مضر وارد بهشت

شوند.

هم چنان که گفته شده: کم ترین تعدادی که مؤمن شفاعت کند، سی نفر است...<sup>۵۲</sup>

هم چنین فیض کاشانی رحمه الله می نویسد:

۴۸ . النافع يوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر: ۱۲۴ - ۱۲۶، فصل ۷ در معاد.

۴۹ . الأملی شیخ صدوق: ۵۶، حدیث ۴، بحار الانوار: ۸ / ۳۴، حدیث ۳.

۵۰ . روضة الواعظین: ۵۰۱، الخصال: ۲ / ۳۲۴، حدیث ۳۶ با اندکی تفاوت.

۵۱ . مسند احمد: ۳۱۳/۵، سنن ابن ماجه: ۱۴۴۶/۲، المستدرک علی الصحیحین: ۷۱/۱.

۵۲ . المحجة البيضاء: ۱ / ۲۵۳.

بدان که وقتی برخی از مؤمنان سزاوار آتش دوزخ می شوند، خداوند متعال به فضل خود شفاعت پیامبران و صدیقین و بلکه علما و صالحان و شفاعت هر آن که به خاطر رفتار خوب، نزد خداوند آبرو دارد، درباره آنان می پذیرد. این افراد حق شفاعت خانواده خویش، بستگان، دوستان و آشنایان خود را دارند.

بنابراین، به طور جدی به دنبال کسب کردن مقام شفاعت نزد خداوند باش. این مقام از این راه به دست می آید که هرگز انسانی را تحقیر نکنی. همانا خداوند ولایت و دوستی خود را در میان بندگانش پنهان کرده است.

بنابراین چه بسا، آن کسی که در دیدگان تو ناچیز انگاشته می شود، او ولیّ خداوند باشد. دومین راه این است که هیچ معصیتی را نیز ناچیز و کوچک نشماری. زیرا خداوند خشم خود را در معصیت هایش پنهان کرده است. پس چه بسا در آن معصیتی که کوچک می شماری، خشم و ناخرسندی خداوند نهفته باشد.

سوم این که هیچ طاعت و بندگی ای را نیز تحقیر نکنی، زیرا خداوند رضایت و خرسندی خویش را در طاعات خویش قرار داده. بنابراین چه بسا در آن طاعتی که تو آن را ناچیز می پنداری، رضایت و خرسندی خداوند نهفته باشد. اگرچه این طاعت، يك سخن نیکو، لقمه حلال و یا نیت خوب و مانند آن باشد.

البته شواهد و ادله اثبات شفاعت در قرآن کریم و روایات، فراوان هستند...<sup>۵۳</sup>

علامه مجلسی رحمه الله

علامه مجلسی رحمه الله نیز درباره شفاعت سخن گفته است. وی در کتاب *حق الیقین* چنین می نگارد:

فصل دوازدهم در بیان وسیله، لوا، حوض، شفاعت و سایر منازل پیامبر خدا و اهل بیت او علیهم السلام در روز قیامت.

بدان که احادیث شیعه و اهل سنت در هر يك از این ها متواتر است. بلکه این امور از ضروریات دین هستند و ایمان به آن ها؛ به خصوص ایمان به حوض کوثر و شفاعت واجب است.

ما تعداد کمی از روایات را در این کتاب می آوریم و روایات بیشتری در کتاب *حیات القلوب* آمده است...

درباره شفاعت باید بگوییم که اختلافی میان مسلمانان نیست، و ضروری دین اسلام است که رسول خدا صلی الله علیه وآله در روز قیامت برای امت خود، بلکه برای جمیع امت ها شفاعت خواهد نمود...

از طرف دیگر اختلافی میان علمای امامیه نیست که شفاعت برای دفع عقاب از فساق شیعه خواهد بود؛ هرچند از اصحاب گناهان بزرگ باشند.

هم چنین شفاعت مخصوص پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نیست. بلکه فاطمه زهرا و ائمه هدا علیهم السلام به رخصت آن حضرت از شیعیان خود شفاعت خواهند کرد.

از احادیث بسیار ظاهر می شود که علما و صالحین شیعه نیز شفاعت خواهند کرد...<sup>۵۴</sup>

### شافعان روز قیامت

از آیات قرآن کریم، روایات شریف و نیز سخنان فقیهان، محدثان و متکلمان روشن می شود که در روز قیامت برای مؤمنان شافعانی هستند که خداوند شفاعت آنان را درباره مؤمنان پذیرفته و به خاطر این افراد، مؤمنان را می بخشد.

در این بخش به معرفی این شافعان و نیز ذکر آیات و روایات نقل شده در این باره می پردازیم:

### ۱. پیامبران و رسولان

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ \* لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ \* يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ﴾.<sup>۵۵</sup>

آن ها گفتند: «خداوند رحمان فرزندی برای خود انتخاب کرده است»، او منزّه است از این عیب و نقص؛ پاک و منزّه است؛ بلکه فرشتگان بندگانش شایسته او هستند. \* هرگز در سخن بر او پیشی نمی گیرند و پیوسته به فرمان او عمل می کنند. او اعمال امروز و آینده و اعمال گذشته آن ها را می داند؛ و آن ها جز برای کسی که خدا راضی (به شفاعت برای او) است شفاعت نمی کنند و آنان از ترس او بیمناک هستند.

هم چنین امام صادق علیه السلام از پدران خویش نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

ثلاثة يشفعون إلى الله عز وجل فيشفعون: الأنبياء، ثم العلماء، ثم الشهداء؛<sup>۵۶</sup>

۵۴ . ر.ك: حق اليقين: ۵۴۳ - ۵۵۵، با اندکی ویرایش.

۵۵ . سوره انبياء: آیات ۲۶ - ۲۸.

۵۶ . الخصال: ۱۵۶؛ بحار الانوار: ۸ / ۳۴، حدیث ۲.

سه گروهند که نزد خداوند شفیع می شوند و خداوند شفاعتشان را می پذیرد: پیامبران، علما و پس از آن شهدا.

اگرچه طبق این روایت، پیامبران نیز شافعان روز قیامت هستند، اما ظاهر این روایت با روایتی دیگر از پیامبر صلی الله علیه وآله که پیش از این نقل نمودیم،<sup>۵۷</sup> در تعارض است؛ چراکه در آن روایت، مقام و حق شفاعت به عنوان یکی از ویژگی های اختصاصی پیامبر صلی الله علیه وآله ذکر گردیده است. اما واقعیت این است که می توان این دو روایت را به گونه ای معنا کرد که تعارض میان این دو روایت برطرف شود. به این صورت که شفاعت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله از دیگر پیامبران، اثرگذاری بیشتری دارد.

یا این که بگوییم: حضرت رسول صلی الله علیه وآله شفاعتی خاص دارد که دیگر انبیای الهی از چنین شفاعتی برخوردار نبوده اند.

در آیه و روایت پیش گفته، وجود شفاعت برای همه پیامبران ثابت می شود. در خصوص پیامبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله نیز پیش تر آیه ها، روایت ها و سخنان بزرگان در این باره را نقل کرده ایم. به طوری که این ادله، اثبات کننده وجود حق شفاعت برای پیامبر در روز قیامت هستند.

علمای اسلام تصریح کرده اند که مسأله شفاعت پیامبر صلی الله علیه وآله از اموری است که مورد اجماع و اتفاق نظر همه جهان اسلام است.<sup>۵۸</sup>

## ۲. قرآن کریم

در روایتی از حضرت علی علیه السلام درباره شفاعت در روز قیامت — که متن کامل آن، پیش تر بیان شد — آمده: حضرت علی علیه السلام پیرامون شفیع بودن قرآن می فرماید:

... من شفیع له القرآن یوم القیامة شفیع فیہ...<sup>۵۹</sup>

... هر که را روز رستاخیز قرآن میانجی شود، بپذیرند... .

هم چنین علامه مجلسی رحمه الله به نقل از دیلمی، محدث نامدار اهل سنت آورده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند:

الشفاعة خمسة: القرآن والرحم والأمانة ونبيكم وأهل بيت نبيكم;<sup>۶۰</sup>

۵۷. ر.ك: ص ۲۵ از همین کتاب.

۵۸. كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد: ۵۶۶ و ر.ك: تفسير الرازی: ۳ / ۶۵.

۵۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

شافعان پنج گروه هستند: قرآن کریم، رَحْم و پیوند خویشاوندی، امانت، پیامبرتان و اهل بیت پیامبرتان.

بنابراین، قرآن کریم نیز از شافعان عرصه قیامت است.

### ۳. امامان معصوم

روایاتی که پیش تر آوردیم نشانگرند که امامان معصوم علیهم السلام و حضرت زهرا سلام الله علیه، از شیعیان، محبان و پیروان خود در روز قیامت شفاعت می کنند و خداوند نیز شفاعت آنان را می پذیرد.

گروهی از بزرگان شیعه هم چون شیخ مفید، علامه طبرسی، فاضل مقداد و علامه مجلسی رحمهم الله تصریح کرده اند که این باور، مورد اجماع و اتفاق نظر عالمان شیعه و از ضروریات مذهب است که پیش تر دیدگاه های آن ها را آوردیم.

### ۴. فرشتگان

خداوند متعال در قرآن کریم از شفاعت کردن فرشتگان در روز قیامت سخن گفته است، آن جا که می فرماید:

(وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى)؛<sup>۶۱</sup>

و چه بسیار فرشتگان آسمان ها که شفاعت آن ها سودی نمی بخشد؛ مگر پس از آن که خدا برای هر کس بخواهد و راضی باشد اجازه (شفاعت) دهد.

علامه مجلسی رحمه الله در کتاب های بحار الانوار و حق الیقین از شیخ صدوق رحمه الله این گونه روایت می کند:

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند:

...والشفاعة للأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةَ؛<sup>۶۲</sup>

... شفاعت برای پیامبران، اوصیاء، مؤمنان و فرشتگان است.

البته در این زمینه روایات فراوان دیگری نیز وجود دارد که مفاد آن ها از شفیع بودن فرشتگان خبر می دهد.

۶۰. المناقب: ۲ / ۱۴، بحار الانوار: ۸ / ۴۳، حدیث ۳۹، الجامع الصغیر: ۲ / ۸۶، حدیث ۴۹۴۲، ینابیع المودة: ۲ / ۹۵،

حدیث ۲۲۳، کنز العمال: ۱۴ / ۳۹۰، حدیث ۳۹۰۴۱.

۶۱. سوره نجم: آیه ۲۶.

۶۲. الاعتقادات فی دین الامامیه: ۶۶، بحار الانوار: ۸ / ۵۸، حدیث ۷۵.

## ۵. دانشمندان

بنابر روایات بسیاری علما نیز شفاعت می کنند و شفاعت آن ها پذیرفته می شود. در این جا برخی این روایت ها را نقل می کنیم:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

إذا كان يوم القيامة بعث الله العالم والعابد، فإذا وقفا بين يدي الله عز وجل قيل للعابد: إنطلق إلى الجنة. وقيل للعالم: قف! تشفع للناس بحسن تأديبك لهم؛<sup>۶۳</sup>

آن گاه که روز قیامت می شود، خداوند، عالم و عابد را برمی انگیزد، وقتی این دو در پیشگاه خداوند متعال قرار می گیرند به عابد گفته می شود: به سمت بهشت برو. به عالم گفته می شود: بایست و به دلیل این که مردم را خوب ادب کرده ای، از آنان شفاعت کن.

هم چنین در روایتی که پیش تر از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نقل کردیم، علما یکی از سه گروه شفاعت کننده در عرصه قیامت معرفی شده بودند.

## ۶. شهیدان

ششمین گروه از شافعان در عرصه رستاخیز، شهیدان هستند. در روایتی که پیش تر از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شد، آمده که شهیدان نیز یکی دیگر از گروه های شفاعت کننده در روز قیامت هستند.<sup>۶۴</sup>

علامه طباطبایی در این باره می نویسد:

به نظر می رسد منظور از شهدا، شهیدان میدان نبرد هستند. هم چنان که در روایات ائمه علیهم السلام آمده است. نه شاهدان اعمال که در ادبیات قرآن به کار رفته است.<sup>۶۵</sup>

## ۷. مؤمنان

در روایات فراوانی شفاعت مؤمنان از یکدیگر و شفاعت دوست از دوست خودش، شفاعت يك فرد از اهل بیت و خانواده اش و... مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است.

---

۶۳. بصائر الدرجات: ۲۷، حدیث ۷ باب فضل عالم بر عابد، علل الشرائع: ۲ / ۳۹۴، حدیث ۱۱، بحار الانوار: ۸ / ۵۶، حدیث ۶۶.

۶۴. ر.ك: ص ۴۹ از همین کتاب.

۶۵. تفسیر المیزان: ۱ / ۱۷۹.

در روایتی آمده که امام باقر علیه السلام فرمود:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الشَّفَاعَةُ فِي أُمَّتِهِ، وَلِنَا شَفَاعَةٌ فِي شِيعَتِنَا، وَلشِيعَتِنَا شَفَاعَةٌ فِي أَهَالِيهِمْ;  
رسول خدا صلی الله علیه وآله دارای مقام شفاعت از امت خویش است، ما نیز از شیعیان  
خویش شفاعت می‌کنیم. شیعیان ما نیز از اهل و خویشان خود شفاعت می‌کنند.

سپس فرمود:

وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيُشْفَعُ فِي مِثْلِ رَبِيعَةَ وَمُضَرَ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيُشْفَعَ حَتَّىٰ لَخَادِمِهِ، وَيَقُولُ: يَا رَبِّ حَقَّ خِدْمَتِي، كَانَ يَقِينِي  
الْحَرَّ وَالْبَرْدَ؛<sup>٦٦</sup>

انسان مؤمن به اندازه شمار مردمان قبیله ربیعه و مضر شفاعت می‌کند. مؤمن حتی از  
خادم خویش نیز شفاعت می‌کند و عرض می‌کند: ای پروردگار من! این فرد خدمات  
شایانی به من کرده و مرا از سرما و گرما حفظ کرده است.

معنای شفاعت و اثر آن

در لغت معنای شفاعت چنین آمده است:

الشَّفَاعَةُ: السُّؤَالُ فِي التَّجَاوُزِ عَنِ الذُّنُوبِ وَالْجَرَائِمِ؛<sup>٦٧</sup>

شفاعت: درخواست گذشتن از گناهان و جرم هاست.

البته شیخ طریحی رحمه الله در ادامه تعریف شفاعت به این روایت پیامبر استناد می‌کند که  
فرموده اند:

أُعْطِيَتِ الشَّفَاعَةُ؛

به من مقام شفاعت داده شده است.

راغب اصفهانی در این باره می‌نویسد:

الشَّفَاعَةُ: الْإِنْتِصَامُ إِلَىٰ آخِرِ نَاصِرٍ لَهُ وَسَائِلًا عَنْهُ. وَأَكْثَرُ مَا يَسْتَعْمَلُ فِي انْتِصَامٍ مِنْهُ هُوَ أَعْلَىٰ حَرَمَةٍ وَمَرْتَبَةٍ إِلَىٰ  
مَنْ هُوَ أَدْنَىٰ، وَمِنْهُ الشَّفَاعَةُ فِي الْقِيَامَةِ: قَالَ: (لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا)،<sup>٦٨</sup> (لَا  
تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَدَانَ لَهُ الرَّحْمَنُ)،<sup>٦٩</sup> (لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا)<sup>٧٠</sup> (وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ...)،<sup>٧١</sup>؛<sup>٧٢</sup>

٦٦ . بحار الانوار: ٨ / ٣٨ کتاب عدل و معاد، باب شفاعت.

٦٧ . النهاية في غريب الحديث: ٢ / ٤٨٥، لسان العرب: ٨ / ١٨٤، تفسير مجمع البحرين: ٢ / ٥٢٣، شرح أصول الكافي: ١٢ / ٨٩ .

٦٨ . سوره مريم، آيه ٨٧.

٦٩ . سوره طه، آيه ١٠٩.

٧٠ . سوره نجم، آيه ٢٦.

٧١ . سوره انبيا، آيه ٢٨.

شفاعت؛ یعنی پیوستن و انضمام به دیگری برای کمک به او و درخواست چیزی به جای او. بیشترین کاربرد شفاعت در پیوستن و انضمام کسی است که از نظر حرمت و مقام، از دیگری که مورد شفاعت قرار می‌گیرد بالاتر است. از مصادیق آن، شفاعت در روز قیامت است. خداوند متعال می‌فرماید: «آنان هرگز مالک شفاعت نیستند؛ مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی دارد».

در آیه دیگری می‌فرماید: «در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی‌بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده است...».

و در آیه دیگری آمده: «شفاعت آن‌ها سودی نمی‌بخشد».

در آیه دیگری می‌خوانیم: «و آن‌ها جز برای کسی که خدا راضی است، شفاعت نمی‌کنند...»

بنابر آن چه از آیات و روایات استفاده می‌شود، شفاعت فقط با اذن و رضایت خداوند متعال رخ می‌دهد... پس شفاعت در روز قیامت، امری گزاف و بدون قانون و برنامه نیست. حکم شفاعت فقط از آن خداوند متعال است، اوست که فعال مایشاء است و به هر چه خواهد، حکم می‌نماید. البته خدای سبحان از روی رحمت و لطف به بندگان، به پیامبران، اولیای الهی و بندگان صالح خویش اجازه می‌دهد که شفاعت کنند، سپس شفاعت آنان را می‌پذیرد. به همین دلیل است که در قرآن کریم می‌فرماید:

(لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا)؛<sup>۷۳</sup>

آنان هرگز مالک شفاعت نیستند؛ مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی دارد.

هم چنین در آیه دیگری می‌فرماید:

(يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا)؛<sup>۷۴</sup>

در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی‌بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده، و به گفتار او راضی است.

هم چنان که در آیه دیگری آمده است:

(لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى)؛<sup>۷۵</sup>

---

(۷۲) المفردات فی غریب القرآن: ۲۶۳.

۷۳. سوره مریم: آیه ۸۷.

۷۴. سوره طه: آیه ۱۰۹.

۷۵. سوره نجم: آیه ۲۶.

شفاعت آن ها سودی نمی بخشد مگر پس از آن که خدا برای هر کس بخواهد و راضی باشد اجازه (شفاعت) دهد.

و در آیه دیگری می خوانیم:

(وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى...)<sup>۷۶</sup>;

و آن ها جز برای کسی که خدا راضی است، شفاعت نمی کنند...

البته آیات بسیاری در این باره آمده که خداوند متعال در آن ها از اذن و رضایت خویش به عنوان یکی از شرط های شفاعت یاد می کند...<sup>۷۷</sup>

گفتنی است که مفاد آیات قرآن کریم، روایات و هم چنین سخنان علما بیان گر آن است که کافران، مشرکان و ناصبی ها مشمول شفاعت نمی شوند. بلکه شفاعت ویژه مؤمنان گنهکار است؛ زیرا این افراد هستند که خداوند از دین و باورهایشان رضایت دارد.

البته شفاعت يك میانجی گری صرف نیست که فقط احتمال مؤثر بودن تلاش شفیع وجود داشته باشد؛ بلکه این يك عهد و پیمان خداوند برای گروهی از بندگان است و عطای الهی برای بندگان برگزیده اوست. به همین دلیل بی تردید خداوند به درخواست این شافعان پاسخ مثبت می دهد و شأن و منزلت و مقام تقرّب آنان به خویش را اظهار می نماید.

#### اثر شفاعت و دیدگاه عالمان شیعی

پس از آن که روشن شد کافران، مشرکان و جنایتکاران از شفاعت بی بهره اند و این لطف الهی مشمول مؤمنانی می شود که گناه بزرگ مرتکب شده اند؛ آن سان که روایات به این امر تصریح دارند، معلوم می شود اثر شفاعت به صورت برداشته شدن عقاب و عتاب است.

به دیگر سخن، وقتی فردی شفیع انسان مجرم و دارای گناه بزرگ می شود که از آن گناه، توبه نکرده باشد و در این صورت است که شفاعت این شفیع، پذیرفته می شود و به این ترتیب دیگر این فرد مجرم، شایسته و سزاوار عذاب و عقوبت مشخص شده برای آن گناه کبیره نمی شود. بلکه پس از این شفاعت، چنین شخصی در گستره رحمت و رضوان الهی قرار می گیرد....

این باور، مورد اتفاق شیعه امامیه است... و بیشتر علمای اهل سنت نیز بر همین باورند. محقق طوسی رحمه الله و علامه حلی رحمه الله، تصریح کرده اند که شفاعت ممکن است سبب افزایش منافع نیز بگردد و پاداش انسان نیکوکار افزایش یابد.

بنابراین، از نگاه این دو عالم شیعی، شفاعت هم برای برداشتن عذاب و عقاب از گناهکاران و هم برای افزایش پاداش و بالارفتن مقام نیکوکاران است.

۷۶ . سوره انبیاء: آیه ۲۸ .

۷۷ . شایان ذکر است که ما بقیه آیات مربوط به شفاعت را پیش تر نقل کردیم و از تکرار آن ها در این جا خودداری می کنیم.

## اثر شفاعت و دیدگاه معتزلی ها

اما پیروان مکتب معتزله بر این باورند که شفاعت فقط برای افزایش منافع و پاداش مؤمنانی است که به دلیل ایمان خویش، سزاوار پاداش شده اند. ولی این گونه نیست که با شفاعت، عذاب و عقاب از کسی برداشته شود. چراکه واجب است افراد گناهکاری که گناه بزرگ انجام داده اند و توبه نکرده اند، عذاب شوند. زیرا به آنان وعده عذاب داده شده و وفای به وعید نیز مانند وفای به وعده، واجب است و تفاوتی میان وعده و وعید وجود ندارد.

معتزلی ها برای اثبات دیدگاه خود به آیاتی از قرآن کریم استناد می کنند که در این آیات، شفاعت نفی شده؛ یا این که اثر شفاعت در روز قیامت منتفی دانسته شده است. ما پیش تر این آیات را به عنوان دسته دوم آیات شفاعت ذکر نمودیم. در این جا نیز برای آشنایی با استدلال معتزلی ها این آیات نورانی قرآن کریم را نقل می نماییم:

در آیه ای می خوانیم:

(مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ)؛<sup>۷۸</sup>

برای ستمکاران نه دوستی وجود دارد و نه شفاعت کننده ای که شفاعتش پذیرفته شود.

در آیه دیگری آمده است:

(وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ)؛<sup>۷۹</sup>

و ستمگران یابوری ندارند.

در آیه دیگری می فرماید:

(وَأَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ)؛<sup>۸۰</sup>

و از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی پذیرد و نه از او شفاعت پذیرفته می شود؛ و نه غرامت از او قبول خواهد شد؛ و نه یاری می شوند.

در سوره مدثر می فرماید:

(فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ)؛<sup>۸۱</sup>

از این رو شفاعت شفاعت کنندگان به حال آن ها سودی نمی بخشد.

در سوره بقره آمده است:

---

۷۸. سوره غافر: آیه های ۱۸ و ۱۹.

۷۹. سوره بقره: آیه ۲۷۰.

۸۰. همان: آیه ۴۸.

۸۱. سوره مدثر: آیه ۴۸.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفَاعَةً وَالْكَافِرُونَ هُمْ  
الظَّالِمُونَ؛<sup>۸۲</sup>

ای کسانی که ایمان آورده اید! از آن چه به شما روزی داده ایم، انفاق کنید پیش از آن که روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروشی است و نه دوستی، و نه شفاعتی؛ و کافران، همان ستمگرانند.

در آیه دیگری می خوانیم:

(وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى)؛<sup>۸۳</sup>

و آن ها جز برای کسی که خدا راضی است شفاعت نمی کنند.

در این آیه ها، خداوند متعال در برخی جاها پذیرش شفاعت از ظالمان را نفی کرده است؛ یعنی این آیات دلالت دارند که عذاب گناهکاران در روز قیامت از آنان برداشته نمی شود. زیرا آنان ظالم و فاسق هستند.

آیات بعدی نیز اصل شفاعت و اثر آن را نفی می کنند. بنابر این، باید گفت: هرکس جزای عمل خویش را خواهد دید. آیه آخر نیز برای پذیرش شفاعت فرشتگان، رضایت خداوند شرط شده در حالی که فاسق به دلیل ارتکاب گناهان بزرگ، مورد پسند و مورد رضایت خداوند نیست.

#### بررسی و نقد دیدگاه

علمای شیعه با پاسخ به باور معتزله، این استدلال آن ها را باطل دانسته اند و اشتباهات آن ها را بیان کرده و توضیح داده اند که برای این باور، دلیلی وجود ندارد.

پاسخ علمای شیعه را در دو محور پی می گیریم:

**نخست آن که** روایات متواتری دلالت می کنند که به واسطه شفاعت پیامبر صلی الله علیه وآله و دیگر شافعان، عذاب از مؤمنان دارای گناه بزرگ، برداشته می شود.

**دوم آن که** اگر شفاعت فقط برای بالابردن مقام مؤمنان و افزایش پاداش نیکوکاران بود، بی تردید ما نیز شافعان پیامبر صلی الله علیه وآله بودیم. زیرا از خداوند متعال می خواهیم که مقام و درجات ایشان را بالاببرد. اما بی تردید ما شافع ایشان نیستیم.

بنابراین، تالی این استدلال، باطل است. زیرا کسی که شفاعت می کند، باید از فردی که از او شفاعت می شود، بالاتر و احترام و مقام بیشتری داشته باشد و از نصوص ادله نیز همین مطلب برداشت می شود.

پس با این بیان روشن می شود که مقّم و شرط نیز در این استدلال باطل هستند.

۸۲ . سوره بقره: آیه ۲۵۴.

۸۳ . سوره انبیاء: آیه ۲۸.

گذشته از این دو پاسخ کلی، درباره استدلال آن ها به آیات قرآن کریم نیز باید گفت: در آیه اول و دومی که در بالا آوردیم، منظور از ظالمان، کافران هستند. بنابراین نپذیرفته شدن شفاعت درباره انسان ظالم؛ یعنی نپذیرفته شدن شفاعت درباره کافر. آیه سوم و پنجم نیز در مقام نفی هرگونه شفاعت نیستند. بلکه شفاعت بدون اجازه خداوند را منتفی می دانند.... بی تردید خداوند، فقط اجازه نمی دهد که از کافران و مشرکان شفاعت شود. زیرا در آیات دیگر قرآن کریم تصریح نموده که کافر و مشرک آمرزیده نمی شوند... درباره آیه چهارم نیز باید گفت که این آیه، اصل شفاعت را نفی نمی کند، بلکه بیان گر وقوع شفاعت در روز قیامت است.

البته می گوید که گروهی از مجرمان کافر از این شفاعت بی بهره هستند. اگر به آیات پیشین در این سوره نیک بنگریم، این حقیقت برای ما روشن می شود. خداوند در آیات ۳۸ تا ۴۸ سوره مدثر می فرماید:

رَكُلٌ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةً \* إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ \* فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ \* عَنِ الْمُجْرِمِينَ \* مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ \* قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ \* وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ \* وَكُنَّا نَحْوُضُ مَعَ الْخَائِضِينَ \* وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ \* حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ \* فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ؛

(آری) هر کس در گرو اعمال خویش است، مگر «اصحاب یمین». آن ها در باغ های بهشتند و از مجرمان سؤال می کنند: چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟! می گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم، و به مستمند اطعام نمی کردیم، و پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم، و همواره روز جزا را انکار می کردیم، تا زمانی که مرگ ما فرا رسید». از این رو شفاعت شفاعت کنندگان به حال آن ها سودی نمی بخشد.

اما درباره آخرین آیه ای که معتزله به آن استدلال کرده اند، باید گفت: ما نمی پذیریم که انسان فاسق، مورد رضایت خداوند نیست؛ بلکه او به خاطر ایمانش مورد رضایت خداوند است.

### شفاعت و جرأت بر گناه!

اکنون پاسخ به يك اشکال لازم است.

ممکن است گفته شود که وعده خداوند به شفاعت و تأکید بر شفاعت از سوی پیامبر صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهم السلام موجب می شود مردم در انجام امور حرام و ارتکاب معصیت و نیز گناهان کبیره و سیئات جرأت پیدا کنند.

برای نمونه پیامبر خدا صلی الله علیه وآله می فرماید:

من لم يؤمن بشفاعتي فلا أناله الله شفاعتي؛<sup>۸۴</sup>

هرکس به شفاعت من ایمان نداشته باشد، خداوند او را از شفاعت من بی نصیب می گرداند.

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می فرماید:

من أنكر ثلاثة أشياء فليس من شيعتنا: المعراج، والمساءلة في القبر، والشفاعة؛<sup>۸۵</sup>

هرکه سه امر را انکار کند، از شیعیان ما نیست: معراج، سؤال و جواب در قبر، شفاعت.

این پرسش را از چند محور پاسخ می دهیم:

۱. پاسخ نقضی: این امر ویژه مسأله شفاعت نیست؛ بلکه آیاتی که حتی موضوع شفاعت را مطرح نکرده اند، اما به فراگیری مغفرت و گسترده‌گی رحمت الهی تأکید نموده اند، نیز همین گونه اند. هم چنان که خداوند می فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ)؛<sup>۸۶</sup>

خداوند (هرگز) شرک را نمی بخشد و پایین تر از آن را برای هر کس بخواهد (و) شایسته بداند) می بخشد.

لازم به ذکر است که مشرک توبه کننده از این آیه استثناء می شود.

پاسخ حلی: وعده به شفاعت و یا اعلام آن از سوی پیامبران الهی علیهم السلام و تأکید آنان بر موضوع شفاعت در دو صورت موجب جرأت پیدا کردن مردم به ترمّد و ارتکاب گناه می شود:

۱. این که خود مجرم به طور مشخص تعیین و یا توصیف شود و یا این که نوع گناهی که مشمول شفاعت می شود، تعیین گردد؛ به طوری که بی تردید انسان ها بدانند در صورت انجام این گناه ها، مشمول شفاعت می شوند.

۲. در صورت مؤثر بودن شفاعت در همه انواع مجازات و همه زمان ها به طوری که شفاعت، آن عقاب را از اساس ریشه کن نماید.

اگر گفته شود: فلان گروه از مردم یا همه مردم به دلیل جرم هایی که مرتکب شده یا گناهی که کرده اند، هرگز مجازات و تنبیه نمی شوند. یا این که گفته شود: فلان گناه مشخص، هرگز عذابی را به دنبال ندارد، بی تردید کلامی باطل بود و موجب بیهوده بودن احکام و تکالیف بندگان می شد.

۸۴. الأملی شیخ صدوق: ۵۶، حدیث ۴، بحار الانوار: ۸ / ۳۴، حدیث ۳.

۸۵. همان: ۳۷۰، حدیث ۵، همان: ۶ / ۲۲۳، حدیث ۲۳ و ۸ / ۳۷، حدیث ۱۳.

۸۶. سوره نساء: آیه های ۴۸ و ۱۱۶.

اما وقتی هر دو شرط یاد شده محقق نیست و مشخص نشده که شفاعت درباره کدام گناه مشخص و یا کدام گناهکار، نافذ و مؤثر است، یا اعلام نشده که همه مجازات ها در هر زمان و مکانی و با هر شرایطی بخشیده می شود، انسان نمی داند آیا شفاعتی که وعده آن داده شده، شامل حال او می شود یا خیر؟ به همین دلیل جرأت سرپیچی از دستورهای الهی را پیدا نمی کند. نه تنها چنین جرأتی پیدا نمی کند، بلکه امر شفاعت، حس رجا و امیدواری او را بیدار می کند. او به امید همین شفاعت، در صورتی که گناهی را مرتکب شد، از رحمت الهی ناامید نمی شود.

علاوه بر آن چه گفته شد، خداوند متعال می فرماید:

(إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ)؛<sup>۸۷</sup>

اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می پوشانیم.

با درنگ در این آیه درمی یابیم که خداوند متعال فرموده در صورت پرهیز از انجام گناهان کبیره، خداوند گناهان دیگر را می بخشد و عقاب را از آن ها بر می دارد.

وقتی خداوند تصریح می کند که اگر در گناهان کبیره، تقوا پیشه کنید، گناهان صغیره شما را می بخشیم، پس می توان گفت که اگر شما ایمان خودتان را حفظ کردید و در روز قیامت با ایمان سالم محشور شدید، شفاعت شافعان درباره شما پذیرفته می شود.

بنابراین، اصل در حفظ ایمان است. البته معصیت نیز ایمان را ضعیف می کند، قلب را سیاه می کند و در نهایت شرك را به همراه دارد. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

(فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ)؛<sup>۸۸</sup>

جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی دانند.

در آیه دیگری می فرماید:

(كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)؛<sup>۸۹</sup>

چنین نیست که آن ها می پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل هایشان نشست است.

در آیه دیگری می خوانیم:

(ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوَاى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ)؛<sup>۹۰</sup>

۸۷ . سوره نساء: آیه ۳۱ .

۸۸ . سوره اعراف: آیه ۹۹ .

۸۹ . سوره مطففین: آیه ۱۴ .

۹۰ . سوره روم: آیه ۱۰ .

سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند.

چه بسا که این امور موجب می شود که انسان از معصیت دست بکشد و در صراط تقوا حرکت کند و در نتیجه از نیکوکاران شده و به شفاعت — به معنای برداشته شدن عذاب — نیازی نداشته باشد.

هم چنین باید توجه داشت حتی در صورتی که معلوم شود کدام گناهکار مشمول شفاعت می شود و حتی گفته شود که کدام گناه با شفاعت، بخشیده می شود، اما تصریح و تأکید شود که شفاعت در برخی ابعاد و یا در برخی وقت ها، این گناه یا این فرد را شامل می شود، در این صورت نیز بی تردید شفاعت نمی تواند موجب جرأت بر ارتکاب گناهان شود، چرا که در هیچ يك از این حالت ها، در انسان اطمینان قطعی پیدا نمی شود که شفاعت شامل حال او می شود.

قرآن کریم نیز به هنگام سخن گفتن از شفاعت و طرح این باور راستین، نه درباره مجرمانی که مشمول شفاعت هستند سخن گفته و نه نوع گناهی را که مشمول شفاعت می شود، تعیین کرده است. هم چنان که فقط در برخی موارد، شفاعت را موجب برطرف شدن مجازات و عذاب دانسته است. بنابر آن چه گفته شده اشکال مطرح شده، بی پایه است.<sup>۹۱</sup>

## کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
  ۲. نهج البلاغه: سید رضی، تحقیق: شیخ محمد عبده، دار الذخائر، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۱۲.
- الف
۳. الإحتجاج: احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، تحقیق سید محمد باقر خراسان، دار النعمان، سال ۱۳۸۶.
  ۴. الاختصاص: ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، ملقب به شیخ مفید، تحقیق علی اکبر غفاری، سید محمود زرندی، دارالمفید، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴.
  ۵. ارشاد القلوب: ابو محمد حسن بن محمد دیلمی، مؤسسه اعلمی، بیروت.
  ۶. الاعتقادات فی دین الامامیه: محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، دارالمفید، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.
  ۷. الأمالی: محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، تحقیق مؤسسه بعثت، نشر دار الثقافه، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۱۴.
  ۸. الأمالی: محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامیة مؤسسة البعثة، مؤسسة البعثة، قم، بی تا.
  ۹. أوائل المقالات: ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، ملقب به شیخ مفید، تحقیق شیخ ابراهیم انصاری، دارالمفید، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴.
- ب
۱۰. بحار الانوار: محمد باقر مجلسی (علّامه مجلسی)، مؤسسه وفا، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.
  ۱۱. بصائر الدرجات: محمد بن حسن بن فروخ صفّار، مؤسسه اعلمی، تهران، چاپ یکم، سال ۱۴۰۴.
- ت
۱۲. تفسیر التبیان (التبیان فی تفسیر القرآن): ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۰۹.
  ۱۳. التفسیر الرازی (مفاتیح الغیب): محمد بن عمر معروف به فخررازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، سال ۱۴۲۰.
  ۱۴. تفسیر العیاشی: محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی معروف به عیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، مکتبه علمیه اسلامیة، تهران، بی تا.

۱۵. *تفسیر القمی*: ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی، موسسه دارالکتاب، قم، سال ۱۴۰۴.
۱۶. *تفسیر المیزان*: سید محمدحسین طباطبائی، جامعه مدرسین، حوزه علمیه قم.
۱۷. *تفسیر مجمع البیان*: امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، تحقیق: گروهی از محققین، مؤسسه الأعلمی، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م.

### ج

۱۸. *الجامع الصغير*: جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، دارالفکر، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۰۱.

### ح

۱۹. *حق الیقین فی معرفه اصول الدین*: سید عبدالله شبر، مؤسسه الأعلمی، تهران.

### خ

۲۰. *الخصال*: محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، سال ۱۴۰۳.

### ر

۲۱. *روضه الواعظین*: محمد بن فتال نیشابوری، منشورات رضی، قم.

### س

۲۲. *سنن ابن ماجه*: محمد بن یزید قزوینی معروف به ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، دارالفکر، بیروت، بی تا.

### ش

۲۳. *شرح اصول الکافی*: مولا محمد صالح مازندرانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۲۱.

### ع

۲۴. *علل الشرائع*: محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، کتاب فروشی حیدریه، نجف، سال ۱۳۸۵.
۲۵. *عیون اخبار الرضا* علیه السلام: محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، مؤسسه الأعلمی، بیروت، سال ۱۴۰۴.

### ک

۲۶. *الکافی*: محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب اسلامیة، چاپ پنجم، سال ۱۳۶۳ ش.
۲۷. *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*: حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، تحقیق: سید ابراهیم موسوی زنجانی، انتشارات شکوری، قم، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۳ ش.

٢٨. *كنز العمال*: على بن حسام الدين متقى هندی، مؤسسه الرساله، بيروت، سال ١٤٠٩.

#### ل

٢٩. *لسان العرب*: محمد بن مكرم بن منظور مصري، نشر ادب الحوزه، سال ١٤٠٥.

#### م

٣٠. *مجمع البحرين*: شيخ فخرالدين طريحي، مؤسسه نشر فرهنگ اسلامي، قم، چاپ دوم، سال ١٤٠٨.

٣١. *المحجة البيضاء في تهذيب الأحياء*: محمد بن مرتضى معروف به مولا محسن فيض كاشاني، مؤسسه نشر اسلامي، قم، چاپ سوم، سال ١٤١٥.

٣٢. *المستدرک على الصحيحين*: محمد بن عبدالله حاكم نيشابوري، دارالمعرفة، بيروت.

٣٣. *مسند احمد*: احمد بن حنبل شيباني، دار صادر، بيروت، بي تا.

٣٤. *المفردات في غريب القرآن*: حسين بن محمد، معروف به راغب اصفهاني، دفتر نشر الكتاب، سال ١٤٠٤.

٣٥. *مناقب آل ابي طالب*: محمد بن علي بن شهر آشوب مازندراني، مكتبة حيدريه، نجف، سال ١٣٧٦.

٣٦. *من لا يحضره الفقيه*: محمد بن علي بن حسين بن موسى بن بابويه قمي، معروف به شيخ صدوق، تحقيق: علي اكبر غفاري، مؤسسه نشر اسلامي، قم، چاپ دوم.

#### ن

٣٧. *النافع يوم الحشر في شرح الباب الحادي عشر*: فاضل مقداد سيوري حلي، دار الاضواء، بيروت، چاپ دوم، سال ١٤١٧.

٣٨. *النهاية في غريب الحديث*: مبارك بن محمد بن اثير جزري، تحقيق طاهر احمد زاوي و محمود محمد طناجي، مؤسسه اسماعيليان، قم، چاپ چهارم، سال ١٣٦٤ ش.

#### و

٣٩. *وسائل الشيعة*: محمد بن حسن حرّ عاملي، تحقيق و نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ يكم، سال ١٤١٢.

#### ي

٤٠. *ينابيع الموده*: سليمان بن ابراهيم قندوزي، تحقيق سيد علي جمال اشرف حسيني، دارالاسوه، قم، چاپ يكم، سال ١٤١٦.

(٤٦)

## **Beliefs from the Hereafter(٧)**

### *٤. Intercession*

*Ayatollah Seyed Ali Hosseini Milani*